

که مربوط بدوران هخامنشی میباشد و مانند ستونهای دیگر عهد هخامنشی اطراف بدنه آن به ترکه‌های باریک مقعر که طرح قاشقی نامیده میشود مزین است. قطعات سرستون از همین نوع سنگ در تخت جمشید بدست آمده يك پایه ستون از همان نوع نیز در ویرانه‌های شوش پیدا شده است. وجود قطعه ستون مزبور در فیروزآباد یا بالاده با توجه به کشف بنای هخامنشی در تل حکوان فره‌شگان این احتمال را پیش می‌آورد که در حول و حوش فیروزآباد یا بالاده نیز بنای دیگری از هخامنشیان و احیاناً یکی از منزله‌های بین تخت جمشید و شوش وجود داشته است و با ملاحظه نقشه فارس و در نظر گرفتن مسافتات بین تخت جمشید و قصر ابونصر و تل حکوان و فیروزآباد و بالاده و موقعیت محله‌های مزبور این احتمال تأیید میگردد و دور نیست باینکه تفحص و کاوش بیشتر اطلاعات قطعی در این باره حاصل آید.

آتشکده بزرگ جره

چارطاقی بزرگ جره که بمناسبت نام باوک جره بدین نام خوانده میشود در تاریخ نوزدهم دیماه ۱۳۱۷ ذیل شماره ۳۱۲ بنام آتشکده جره در فهرست آثار ملی ایران بتبیت تاریخی رسیده است این چارطاقی بیرون آبادی بالاده در جانب شمال شرقی آن بر فراز بلندی مشرف برودخانه جره ساخته شده تمام آن از سنگ باد بر و ملاط گچ است (ش ۱۷۶). درازای هر پهلوئی آن بین ۱۴ متر میباشد (ش ۱۷۷) و از وجود بقایای ساختمانی زیاد بالای بلندی مزبور معلوم میگردد که در زمان قدیم در آنجا شهری وجود داشته است.

این آتشکده یکی دیگر از پنج آتشکده ایست که مهرنرسی در نقاط بین کازرون تا قرآش بند بنا نموده است و چون نام و آثار این وزیر معروف مکرر در این کتاب ذکر گردیده و باز هم ذکر خواهد شد لذا مناسب میدانند مطلبی را که در باره این شخص و آثار او در کتاب وضع ملت و دولت و در باره شاهنشاهی ساسانیان از طبری نقل شده است ذکر نماید، در کتاب مزبور چنین مینویسد: 'طبری مطلب مفیدی در باره مهرنرسی بزرگ فرمذار و اهل بیت او دارد. این مرد در رستاق

دشتبارین ورستاق جره ابنيه رفيعه بنا کرد و آتشکده‌ای در ديه آبروان ساخت که چند قرن پس از انقراض ساسانیان هنوز بیا بود و بنام بانیش مهر نرسیان نامیده میشود ، در نزدیکی قریهٔ آب روان چهار ديه دیگر آباد کرد و در هر يك آتشگاهی قرار داد یکی را مخصوص بنخود کرد و « فراز مرا آور خدایا » نامید . سه آتش دیگر را زرواند اذان و کارداران و ماگشنسپان نامید بنام سه نفر برترین فرزندان زرواندان و کاردار و ماگشنسپ که ایشان را برای سه کار از اعمال بزرگ مملکتی تربیت کرده بود . در همین ناحیه سه باغ ترتیب داد در یکی ۱۲ هزار اصله نخل و در یکی ۱۲ هزار اصله زیتون و در یکی ۱۲ هزار سرو کاشت و تمامی این ديهها و باغها و آتشگاهها تا قرن سوم هجری با حسن حالات هنوز باقی و در دست قومی از پشت او بوده است» (۲)

با توجه به نوشتهٔ بالا معلوم میشود مهر نرسی در ناحیهٔ دشتبارین و جره پنج آتشکده ساخته است که به نامهای مهر نرسیان و فراز مرا آور خدایا و زرواندان و کارداران و ماگشنسپان خوانده شده است از این پنج آتشکده یکی چارطاقی است که در ده کیلومتری کازرون کنار راهی که از کازرون به جره و قرآش بند میرود واقع میباشد و شرح آن گذشت و دو می چارطاقی بزرگ بیرون بالاده است که فوقاً توضیح گردید و بمسافت قریب ۵۵ کیلومتری کازرون واقع میباشد. ناگفته نماند که قصبهٔ جره بمسافت قریب ۱۲ کیلومتر پائین تر از بالاده است که برای رسیدن بدان باید از رود جره عبور کرد و نام آتشکدهٔ جره باعث این اشتباه نباید بشود که چارطاقی فوق در قصبهٔ جره واقع باشد ، اکنون بذکر آتشکدهٔ سوم میپردازد :

آتشکدهٔ تون سبز

چون از بالاده بطرف جنوب روند یعنی از رود جره گذشته قصبهٔ جره را

(۲) نقل از کتاب وضع ملت و دولت و دربار شاهنشاهی ساسانیان تألیف پرفسور آرتور کریستنسن

Prof. A. Christensen ترجمه و تحریر آقای مجتبی مینوی چاپ طهران ۱۳۱۵ صفحه ۳۶

پشت سر گذارند و راهرا بجانب جنوب ادامه دهند به چارطاقی دیگری بنام تون سبز میرسند که در دشت بارین واقعست و مسافت چارطاقی اخیر تا بالاده تقریباً با مسافت کازرون بیالاده برابر میباشد، قریه آبروان که در نوشته طبری بدان اشاره شد وزادگاه مهر نرسه بوده است نیز در دشت بارین قرار داشته است بدینقرار چارطاقی تون سبز همان آتشکده‌ای است که در طبری بنام آتشکده مهر فرسیان معرفی گردیده است، چارطاقی تون سبز از نظر وضع ساختمان و اندازه همانند چارطاقی بزرگ جرّه است و بطوریکه از روی نقشه ناحیه جرّه برمیآید آبادی بنام خاروک بر سر راه جرّه به فراش بند کمی بالاتراز محاذات چارطاقی تون سبز قرار دارد و آبادی دیگری هم بنام گنبد بر سر راه مزبور مختصری پائین تر از محاذات چارطاقی نامبرده واقعست بنابر این از قطعه راه بین این دو آبادی و حول و حوش آنها میتوان بطرف مغرب رواندگشت و باطنی مسافتی در حدود ۲۵ الی سی کیلو متر به بنای تاریخی مزبور رسید، اکنون از چارطاقی چهارمین که بنام آتشکده فراش بند شناخته شده است صحبت میداریم:

آتشکده فراش بند

چون راه را بجنوب ادامه دهند و مسافتی قریب نصف آنجداز بالاده تا آبادی گنبد یا (بخط مستقیم) از بالاده تا آتشکده تون سبز طی شده است پیمایند به آبادی معروف فراش بند میرسند، از فراش بند دنباله این جاده تاریخی بفیروز آباد میرود که ابتدا کمی تا مسافتی بطرف جنوب شرقی امتداد دارد و سپس رو بمشرق میرود تا به فیروز آباد برسد، بر جانب چپ این جاده اخیر بیرون فراش بند چارطاقی کوچکی است که وضع ساختمانی و اندازه آن شبیه چارطاقی نزدیک کازرون است و چارمین آتشکده موجود در ناحیه جرّه و حول و حوش آن بشمار میآید، چارطاقی فراش بند در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۸۸ در فهرست آثار ملی ایران بتبیت تاریخی رسیده است و نقاط مجاور چارطاقی مزبور هم که آثار و ابنیه باستانی را در دل نهفته دارد ذیل شماره ۱۶ در تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۱۰ در

فهرست مزبور ثبت گردیده است .

بشرح بالا چهار آتشکده از پنج آتشکده‌ای که بگفته طبری بوسیله مهر نرسی در رستاق دشت بارین و رستاق جره ساخته شده بود مذکور افتاد، درباره آتشکده پنجم پس از ذکر آثار تاریخی سرمشهد توضیح داده خواهد شد .

۳ - آثار تاریخی سرمشهد

سرمشهد بمسافت بیش از سی کیلو متری مغرب قصبه جره واقع است و برای رفتن بآن میتوان هم از بالاده وهم از جره رهسپار آنجا شد ، راهی که از بالاده بد سرمشهد میرود جاده چاه انجیر نام دارد و از پیچ و خم کوهستان و گردنه‌هایی عبور میکند و رو بهمرفته راهی دشوار تر است و ضمن عبور از این راه بنائی از عهد ساسانیان در سمت راست جاده در میان کوهسار دیده میشود ، راهی که از قصبه جره بد سرمشهد میرود موسوم بد راه دار بلوط است و قسمت اعظم آن از دره نسبتاً همواری میگذرد و سپس بجانب چپ میپیچد ، طی هریک از دوراه مزبور بین پنج تا شش ساعت بوسیله چارپایان بطول میانجامد و اجمالاً آثار تاریخی سرمشهد در محلی است که راه رسیدن بدان بسیار دشوار میباشد .

در سرمشهد و کنار راه سرمشهد بد بالا ده آثار تاریخی مهمی وجود دارد که در اینمورد بذکر آنها مبادرت میشود :

نقش برجسته بهرام دوم و نبشته بزرگ پهلوی

یکی از مهمترین آثار تاریخی عهد ساسانی نقش برجسته بهرام دوم و کتیبه بزرگ بخط پهلوی بر بالای آن در سرمشهد میباشد ، این اثر تاریخی در کنار تنگه بر صخره کوهستان نزدیک چشمه آب حجاری گردیده است .

نقش برجسته مزبور بدرازی ۴/۵ متر و پهنا یا بلندی ۲ متر بوده مشتمل بر تصویر بهرام دوم (۲۷۶ تا ۲۹۶ بعد از میلاد) پنجمین شهریار ساسانی است ، در سینه کوه مجاور تنگ (ش ۱۷۸) که راه سرمشهد بدست سوخته و خرک و فاریاب و جمیله

از آن میگذرد و چشمه‌ساری در کنار تنگ جاری است صحنه‌پیکار بهرام دوم پنجمین شهریار ساسانی (۲۷۶ تا ۲۹۶ پس از میلاد) با دو شیر شرز به صورت بسیار جالب و ماهرانه حجاری گردیده است (ش ۱۷۹) یکی از دوشیر کشته شده بر زمین افتاده است و شیر دیگر بحال جست و حمله به شهریار نموده گردیده بهرام خنجری را که در دست راست دارد به سینه حیوان فرو برده است، پشت سر بهرام نقش سه نفر دیده میشود و نفر وسط آنها زنی است که دست چپ بهرام از عقب بجانب وی دراز شده و او آن را با دست راست خویش گرفته است، این تصویر مظهر آله‌ناهد است که در برخی نقوش دیگر شهریاران ساسانی هم بنظر میرسد، شخصی که پشت سر بهرام ایستاده است تصور قطعی می‌رود که تیرموبدان موبد زمان بهرام دوم باشد که از دوران اردشیر بابکان تا عهد پادشاهی بهرام دوم رادرك نموده در زمان شاپور اول و فرزندان او بهرام اول و بهرام دوم بالاترین مقام روحانی را توأم با نفوذ فوق‌العاده سیاسی بدست آورده است و نبشته‌های پهلوی مفصل نقش رجب و نقش رستم و کعبه زرتشت و سرمشهد از فعالیتها و نفوذا و در دستگاه شاهنشاهان اولیه ساسانی حکایت مینماید، نفری هم که پشت سر نقش آله‌ناهد حجاری گردیده است طبعاً وزیر بهرام دوم باید باشد.

لباس بهرام دوم مانند نقوش دیگر شاهنشاهان ساسانی با جین خورد گیهای زیبایی نموده شده است، تاج بهرام مزین به نقش دو بال بر طرفین و گوی بسیار نزرگی بر فرق میباشد.

گوی بالای تاج در گوشه پائین سمت چپ لوحه نبشته پهلوی که بر فراز مجاس حجاری فوق‌نقر گردیده است قرار دارد و بدینقرار کتیبه نزرگ سرمشهد از بالای او اسط نقش رو بجانب راست واقع شده است.

کتیبه مزبور بدرازی ۵/۲۰ متر و بهنا یا بلندی ۲/۷۰ متر در ارتفاع ۲۵ متری از کف زمین در ست بالای نقش برجسته سابق الذکر واقع گردیده است و از لحاظ اندازه بزرگترین کتیبه پهلوی عهد ساسانی ایران بشماره می‌رود و مضمون آن بانبشته پهلوی کعبه زرتشت یکسان بوده و مجموع نبشته‌های پهلوی نقش رجب بیرون از نقش

برجسته اردشیر بابکان و برجانب چپ آن) و نقش رستم (پشت سر نقش شاپورا اول) را در بر دارد.

نقش برجسته سرمشهد و سنگ نبشته پهلوی بالای آن در تاریخ بیستم بهمن ماه ۱۳۱۸ ذیل شماره ۳۳۶ در فهرست آثار ملی ایران ثبت تاریخی رسیده است.

ویرانه‌های خندجان

بمسافت شش کیلومتری شمال شرقی سرمشهد آثار شهری مدفون در دل خاک موجود است که آنرا در محل **خندجان** مینامند، در این محل ابنیه سنگی فراوانی که تبدیل به تپه‌های کوچک شده پدیدار است و در قسمتی از آن بنائی شبیه قلعه با چهار برج کوچک در چهار گوشه و خندقی در اطراف آن وجود دارد و در طرف دیگر بالای تپه بلندی آثار ساختمانی موجود است که اهل محل آنرا تقاره خانه میخوانند، بنای مفصلی شبیه کاروانسرا در جانب دیگر ویرانه‌های مزبور قرار دارد و وضع آن میرساند که مدت‌ها پس از خرابی شهر هم مورد استفاده بوده است، بمسافتی از این ویرانه‌ها نزدیک کوهستان کنار راه سرمشهد به بالا ده حصار چهار گوش عظیمی است که خندق مفصلی اطراف آن را فرا گرفته است، اجمالاً میتوان گفت با فراهم بودن اعتبار کافی و اشخاص ذیفن و تهیّه مقدمات لازم محل شهر قدیم خندجان جهت کاوش علمی مناسبت دارد.

گور دختر و خزینه

طبق اظهار ساکنین سرمشهد بمسافت قریب ده کیلومتری جنوب شرقی آنجا در کوهستان بنای سنگی بنام **گوردختر** موجود است و با آنچه درباره آن حکایت مینمودند چنین بنظر میرسد از دخمه‌های آغاز دوران هخامنشی شبیه آرامگاه کورش یا تخت رستم یا کعبه زرتشت باشد و شاید هم بنائی از عهد ساسانیان است و بهر حال موضوع شایسته تحقیق و تجسس علمی است و همچنین از بنای سر بسته دیگری صحبت میداشتند که نزدیک گوردختر واقع است و بنام **خزینه** خوانده میشود و دهان آنرا تا کنون نتوانسته‌اند باز نمایند و برخی از افراد نادان ایل دره شوری

از تیره‌های قشقائی که از آنجا میگذرند تا کنون چند بار خواسته‌اند بنای مزبور را باز کنند و خوشبختانه نتوانسته‌اند، البته این قسمت هم برای رسیدگی و سرکشی بوسیله اهل فن شایسته توجه و تحقیق است.

بطوریکه در آغاز شرح آثار سرمشهد اشاره نمود نزدیک جاژه‌ای که از بالاده به سرمشهد میرود در میان کوهسار قسمت‌هایی از بنای سنگی عهد ساسانی مشاهده میشود و بامختصر بررسی درباره آن بخوبی میتوان پنداشت که آثار مزبور بقایای آتشکده دیگری از مهر نرسی باشد.

آتشکده فراز مرا آور خدایا

همانطور که در نقل نوشته طبری ملاحظه شد مهر نرسی علاوه بر آتشکده مهر نرسیان چهار آتشکده دیگر در چهاردهی که نزدیک روستای آب روان آباد کرده بود ساخت، سه عدد از این چهار آتشکده چارطاقیهای بالاده و کازرون و قرآش بند است که توضیح آنها گذشت آتشکده دیگر در امر حوم پروفیسور هر تسفلد دیده طرح و نقشه آنرا همراه با توضیحات لازم در کتاب تاریخ باستانشناسی ایران (۱) طی صفحات ۹۱ تا ۹۳ و تصاویر ۱۲ و ۱۳ ذکر و ارائه نموده است و آقای گدار که آنرا ندیده است از روی نقشه و طرح سابق الذکر و با استناد باظہارات کدخدای فامور و ساکنین دیگر آنحدود که گفته‌اند در ناحیه جره بطور قطع چهار بنای چارطاق وجود دارد چنین اظهار نظر نموده است کدبنای مورد ذکر - امر حوم پروفیسور هر تسفلد آتشکده نبوده و کلیسائی از عهد ساسانی است (۲)، آنطور که در نقشه بنای مزبور ملاحظه میشود یک چارطاقی در وسط واقع گردیده و دهلیزی چهار جانب آنرا احاطه نموده است و هر جانب دهلیز هم در وسط یعنی مقابل چهار دهانه چارطاقی بازو گشاده است و از هیچ طرف مسدود نیست، امر حوم پروفیسور هر تسفلد محل این بنا را نزدیک جره بطور مبهم ذکر میکنند و بدین لحاظ بخوبی میتوان اطمینان

(۱) Archaeological History of Iran

(۲) مجلد اول حلد سوم کتاب آثار ایران چاپ ۱۹۳۸ - صفحات ۵۸ و ۱۷۲

داشت که بنای نامبرده هم یکی از آتشگده‌های پنجگانه‌ای باشد که مهرنرسی در حول و حوش جره ساخته است و چون نقشه آن نسبت به چهار آتشگده دیگر تمایزی دارد و محل آن هم در کوهستان است لذا چنین بنظر میرسد همان آتشگده‌ای باشد که مهرنرسی آنرا مخصوص خود نموده است و نام «فرازمر آور خدایا» با موقعیت آن در بالای کوهسار هم مؤید این معنی تواند بود.

ناگفته نماند که مهرنرسی وزیر معتمد به آئین ملی ایرانیان (زرتشتی) و متعصب در آن بوده است و احداث کلیسا در اراضی و املاک وی در دوران ساسانی منطقی بنظر نمی‌رسد.

با توجه با آنچه گذشت معلوم میگردد در سر راه قدیم کازرون به فیروز آباد پنج آتشگده موجود است و ناحیه جره از لحاظ در بر داشتن ابنیه مزبور و بقایای ساختمانها و آبادیهای مهرنرسی وزیر معروف عهد ساسانی یکی از نواحی معتبر تاریخی ایران بشمار میرود و اساساً همانطور که در پایان شرح آثار فیروز آباد اشاره نمود میدان تحقیق و تجسس در هر قسمت خاک فارس و از جمله نواحی حول و حوش جره و سرمشهد هم بسیار وسیع و باقی بوده نیازمند تفحصات دامنهدار است^(۱)

در حال حاضر تمام این آتشگده‌ها و یادگارهای مهرنرسی در معرض تباهی و ویرانی روز افزون است و انتظار روزی میرود که موجبات و شرائط کار برای تعمیر و مرمت و حفظ آنها طبق اصول فنی و انجام کوشها و تجسسات علمی در ناحیه تاریخی جره و حول و حوش آن فراهم گردد و بدیهی است که چنین اقدامی علاوه بر آنجه از طرف مقامات مربوط دولتی و ملی انجام میشود نیازمند علاقه و توجه مالکین محترمی است که این ابنیه تاریخی در املاکشان واقع گردیده است و یقیناً در موقع خود اینگونه مالکین هم حق چنین مایملکی را ادا میکنند و در تعمیر و حفظ و مراقبت آنها خود را ذی‌سهم و مفتخر میشناسند.

(۱) نگارنده کتاب ضمن مقاله‌ای تحت عنوان اهمیت تاریخی جره در سرزمین فارس در شماره

سوم و چهارم مجله باستان‌شناسی - پاییز و زمستان ۱۳۳۸ - توضیحات بیشتر درباره پنج آتشگده فوق و کاخ مهرنرسی و سایر آثار تاریخی ناحیه جره و سرمشهد ذکر نموده‌ام.

اینک از نواحی جنوب و جنوب شرقی کازرون بجانب غربی کازرون پرداخته
سراغ آثار مهم تاریخی آن حدود میرویم :

۴- بیشاپور و تنگ چوگان

ویرانه‌های شهر شاپور بمسافت قریب بیست و پنج کیلومتری مغرب کازرون
کنار جاده فهلان واقع گردیده است و نام اصلی آن **بیشاپور** میباشد ، برای رفتن
به آنجا از کازرون راه بوشهر را پیش میگیرند و قریب دوازده کیلومتر که جاده
مزبور را طی نمایند به قهوه‌خانه و آبادی **برکتک** میرسند ، در آنجا راه بدو جانب
منشعب میگردد از جانب چپ دنباله راهی است که به بر ازجان و بوشهر میرود و از جانب
راست به فهلان و نقاط دورتر تانواحی مختلف خوزستان میروند ، راهی که به فهلان
میرود همانست که از کنار آثار تاریخی و ویرانه‌های بیشاپور عبور میکند و در حدود
۱۳ کیلومتر که از **برکتک** بگذرند بدانجا میرسند ، آثار تاریخی این محل از طرفی
مشمول بر ویرانه‌های شهر **بیشاپور** میباشد که شامل کاخها و آتشکده معظم و درویش
و ابنیه مختلف دیگر بوده است و از طرف دیگر نقوش برجسته متعدد شاهنشاهان ساسانی
بر دو جانب **تنگ چوگان** و همچنین مجسمه **سترک شاپور** اول در غار شاپور بالای
کوهستان واقعست و بطور کلی باید گفت که باز هم یکی از نقاط تاریخی درجه اول
و مهم کشور باستانی ایران در این محل واقع گردیده است که اینک بذکر اجمالی
هر يك از آثار تاریخی موجود در آن میپردازد :

ویرانه‌های شهر بیشاپور

در جانب چپ جاده‌ای که به فهلان میرود محوطه‌ای که در ازای آن از شمال
شرقی بجنوب غربی در حدود يك کیلومتر و نیم و بهنای آن از جنوب شرقی به شمال
غربی قریب يك کیلومتر است آثار و بقایای شهر **بیشاپور** را تشکیل میدهد ، رود
شاپور از میان دره‌ای که در شمال شرقی این محل واقع است و **تنگ چوگان** نام دارد
بطرف آن جاری میباشد و از جانب جنوب غربی **بیشاپور** میگذرد و آثار پللی که **بیشاپور**

با جانب دیگر رودخانه مربوط میساخته تقریباً در محاذات وسط ویرانه‌های مزبور نمودار است، این شهر از جمله شهرهائست که بوسیله شاپور اول احداث شد و کاخها و آتشکده بزرگ و مجسمه و نبشته‌های پهلوی و دژ و پل و ابنیه متعدد دیگر در آن بنیاد گردید که جز قسمت مختصری از آنها بقیه آثار در دل خاک مستور است و انتظار روزی میرود که شرائط و مقتضیات و وسایل کار برای پرده برداری خاک و روشن نمودن وضع آثار مدفون طوری فراهم آید که در عین حال موجبات حفظ و مرمت آنها نیز تأمین باشد، در خلال سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹ خورشیدی باستانشناسان فرانسوی در این محل مهم تاریخی ایران کاوشها و کاخ‌های علمی انجام دادند و چون در وسط جانب شمالی ویرانه‌های مزبور دیواری از سنگهای تراش باپیکرهای سنگی حیوانات بر فراز آن مشهود بود لذا کاخ برداری خود را از آنجا آغاز نمودند و در نتیجه بنای آتشکده مهمی که مشتمل بر حیاط چهار گوش عالی از سنگهای تراش منظم و ممتاز با گیلوئی زیبا بر بالای دیوار (ش ۱۸۰) و دهلیزها و درها و پلکان سنگی بود کشف گردید و متصل به آتشکده در جانب مشرق آن بقایای کاخ معظمی هویدا گشت که تالار عظیم بیست ضلعی با دهلیزهای پشت تالار و حیاطهای متعدد در جوانب آن را دربر داشت (ش ۱۸۱) نقشه تالار بزرگ بدینگونه است که طرح مربعی بریزند و در وسط هر ضلع مربع شاه نشینی احداث نمایند، عمق شاه نشین و طول هر ضلع مربع طوری متناسب منظور گردیده است که تالار بزرگ بصورت محوطه وسیع ۲۰ ضلعی درمی آید و از انتهای هر یک از شاه نشینها دری باز میشود که تالار را به دهلیزهای پشت آن مربوط میسازد، در هر طرف هر یک از این چهار در دو طاقچه بلند و در هر یک از ۱۶ ضلع دیگر تالار سه طاقچه در دیوار ایجاد کرده اند، درون طاقچه‌ها مزین به گچ بریهای بشکل گل و بوته و حاشیه است و بر روی هم تالار عظیم سلطنتی بوجود آورده اند که هر ضلع قسمت مربع آن قریب ۲۲ متر و از انتهای هر شاه نشین به انتهای شاه نشین مقابل آن بالغ بر ۳۷ متر میشود است و از نظر وسعت و عظمت در نوع خود در میان آثار عهد ساسانی بی نظیر میباشد، در کنارهای کف حیاط واقع در جنوب غربی تالار بزرگ مزبور و ایوان واقع در

شمال شرقی آن نقوش موزائیک سنگی مشتمل بر تصاویر بانوان و مردان و سرهای متعدد زن و مرد و شکل فرشته و مرغ و درخت و حاشیه‌های مختلف بطرز بدیع و استادانه بکار رفته بود که قسمتهائی از آنها ضمن خاکبرداری نمایان گشت و آنچه از لطمات و سوانح مختلف بدر رفت زینت بخش موزه ایران باستان و موزه لوور گردید.

بمسافت کمتر از صد متری مشرق آثار فوق بقایای کاخ دیگری وجود دارد که خاکبرداری قسمتی از آن انجام گرفته و بقیه آن مانند بقیه تالار بزرگ و ابنیه دیگر و قسمت اعظم بیشاپور در زیر خاک محفوظ است.

در وسط ویرانه‌های بیشاپور قسمتهائی از دو پایه سنگی متصل بهم کشف گردید که هر کدام از سه پلکان مربع بالای یکدیگر تشکیل می‌شده بر فراز هر پایه ستونی بلند تماماً از سنگ سفید یک پارچه نصب بود و جلودو ستون سگوی مربعی از سنگ سفید ساخته بودند و پایه‌های کوچکتری در طرفین سگونهاده بودند، بر بالای یکی از ستونها نبشته‌ای بدو خط پهلوی اشکانی و ساسانی در ۱۶ سطر نقر گردیده نام شاپور اول و پدر و نیای او را در بر داشت و اشاره باین شده بود که آپاسای منشی پیکر شاپور و آثار نامبرده را در محل مزبور ساخته و زر و سیم و یک باغ و یک معبد خلعت گرفته است، اکنون ستونهای مزبور سرنگون در کنار سگو و پایه‌ها دیده میشود (ش ۱۸۲)

شهر بیشاپور در قرون اول اسلام نیز مسکون و آباد بود و هنوز هم بقایای ابنیه‌ای از آن عهد در قسمت جنوبی ویرانه‌های شهر موجود و مشهود است (ش ۱۸۳ و ۱۸۴) و بشرحی که ضمن توضیح درباره کازرون اشاره نمود در سال ۵۰۲ هجری بوسیله ابوسعید شبانکاره ویران شد و شهر کازرون جایگزین آن گردید،

در جانب شمال شرقی بیشاپور بالای کوهستان ویرانه‌های قلعه مستحکمی وجود دارد که مربوط و متعلق به شهر مزبور و قلعه نظامی آن بوده است و مانند بعض دیگر از اینگونه قلاع بنام قلعه دختر خوانده میشود (ش ۱۸۵)

آثار بیشاپور در تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۲۴ در فهرست

آثار ملی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

تنگ چوگان و نقوش برجسته آن

بطوریکه گذشت رود شاپور از میان درّه موسوم به تنگ چوگان از جانب شمال شرقی بیشاپور بسوی آن جاری است، تنگ چوگان نیز بنوبه خود آثار تاریخی مهمی مشتمل بر نقوش برجسته متعدد شاهنشاهان ساسانی را دربردارد و مجسمه بزرگ شاپور اول هم درون شکفتی در کنار آنست که ذکر آن خواهد آمد .

جاّده ای که از بیشاپور داخل تنگ میشود از پائین کوه بر جانب راست تنگ میگذرد و نقوش برجسته بر بدنه های دو سمت تنگ و در ابتدای آن حجاری گردیده است و چون از ویرانه های بیشاپور وارد تنگ شوند دو مجلس بر بدنه سمت راست و چهار مجلس بر بدنه سمت چپ قرار میگیرد که ذیلاً بتوضیح هر یک از آنها میپردازد :

دو نقش جانب راست

نقش اول :

در ابتدای تنگ زیر دست قلعه دختر سابق الذکر نزدیک جاّده نقش برجسته ای بدر ازای متجاوز از ده متر و پهنا یا بلندی قریب ۵ متر دیده میشود که قسمت اعظم آن آسیب دیده و ریخته است، این نقش برجسته صحنه پیروزی شاپور اول بر والر بن راتوأم بادر یافت شعار شهر یاری از اهورا مزدا نشان میدهد، زیر پای اسب شاپور پیکری بر زمین خفته که مانند موارد نظیر آن نشانه شکست دشمن شهر یار و منکوبی اوست .

نقش دوم :

بمسافت مختصری بعد از نقش اول دومین نقش برجسته کمی بالاتر از آن

دیده میشود، درازای این نقش برجسته سیزده متر و نیم و پهنای بلندی آن قریب پنج متر است و هر گب از هشت قسمت میباشد، در قسمت وسط یکبار دیگر صحنه پیروزی شاپور اول بر والرین نموده شده است (ش ۱۸۶) فرشتهای از جانب بالا بجانب سر شاپور قرار گرفته شعار پیروزی را بسوی او می آورد، والرین رو بروی شاپور زانو زده و دشمن شاپور هم زیر پای اسب پادشاه بر زمین افتاده است، شاپور سوار بر اسب دست راست سیر یادیس را که از طرف آن شهر یار بجانشینی والرین برگزیده شده بردست راست خود گرفته است، پشت سر والرین دو نفر از بزرگان دربار شاپور بحال کُرُ نش ایستاده اند، بر جانب راست این صحنه پیروزی پنج بدنه در هر بدنه نقش سه نفر پیاده حجاری گردیده است که نیزه یا شمشیر یا بتک یا بند یا سپر بدست دارند و بحال کرنش و احترام ایستاده اند (ش ۱۸۷)، بر جانب چپ که پشت سر شاپور قرار دارد دو بدنه در هر بدنه نقش پنج نفر از سرداران و بزرگان ساسانی سوار بر اسب حجاری شده است که انگشت دست راست را بحال خمیده رو ببالا گرفته بدین ترتیب در حضور شاهنشاه خود تعظیم و احترام گذارده اند، باین حجاری هم آسیب و لطمه فراوان وارد آمده است.

چهار نقش جانب چپ

نقش اول :

برای رفتن بد سمت دیگر تنگ باید بد جاده کازرون به فهدیان برگشت و از یل عبور کرد و باز بسوی کوهستان بیچید، در این جانب تنگ نهر آب بزرگی را از رود شاپور جدا کرده باراضی زیر دست میبرند لذا برای رسیدن بنقوش برجسته ناگزیر از عبور از نهر آب خواهند بود.

نخستین نقش برجسته این سوی تنگ لوحه بسیار بزرگی است که بطور منحنی و مقعر در سنگ کوه تراشیده اند (ش ۱۸۸) و در وسط آن صحنه پیروزی شاپور اول بر والرین حجاری شده است، در جانب راست که رو بروی شاپور و پشت سر والرین واقع میگردد چهار ردیف حجاری مشتمل بر نقوش لشگریان رومی با لوازم جنگ

وقلعه کوبی و غنائمی که از ایشان بدست آمده است دیده میشود (ش ۱۸۹) و در جانب چپ یعنی پشت سر شاپور نقوش چهار ردیف سواران ایرانی با نظم و ابهت مخصوص بحال احترام نمودار میباشد.

این مجلس بزرگترین نقش برجسته عهد ساسانی است که در آن شاپور اول صحنه پیروزی خود را بر والرین بصورت کاملتری مجسم ساخته است و چون صحنه پیروزی فوق مجموعاً در پنج محل حجاری گردیده است (یکی در نقش رستم و یکی در نقش برجسته داراب و سه نقش در تنگ چوگان) لذا میمورد نیست باصل این سرگذشت هم اشاره اجمالی بشود.

در میان پیکارهای مداومی که از عهد اشکانیان و ساسانیان همواره بین دولتین ایران و روم در میگرفت پیروزی شاپور اول بر امپراطور اولریانوس که رومیان والرین میگفتند و بسال ۲۶۰ میلادی اتفاق افتاد بسیار مهم و دارای تأثیرات مختلف و فراوان بود، در این نبرد شاپور در نزدیکی شهر **الرها یا اورفا** از شهرهای انطاکیه امپراطور والرین را با هفتاد هزار رومی اسیر نمود و از این اسیران برای کارهای عمرانی خصوصاً ساختمان پلها و سدّها و شهرها و راهها در خوزستان و قسمتی هم در لرستان استفاده کرد و به نشانه پیروزی خویش صحنه فوق را در محلهای مختلف بصورت نقوش برجسته برجا گذارد، نام والرین یا والرینانوس در شاهنامه بعنوان برانوش آمده و حکیم فردوسی نیز اشاره به شکست امپراطور مزبور نموده و چنین سروده است:

برانوش جنگی بقلب اندرون گرفتار شد با دلی پر زخون

نقش دوم:

پس از نقش برجسته عظیم مزبور نقش برجسته دیگری است که در پائین کوه ایجاد کرده اند و نهر آب از سراسر وسط آن طی قرون متمادی میگذشت و در نتیجه عبور مداوم آب حفره عمیقی در طول قسمت وسط نقش بوجود آمده است، در سال ۱۳۱۶ شادروان ابراهیم ضرغام بازرس اعزامی باستانشناسی در کاوشهای علمی

بیشاپور برای انحراف نهر آب و آزاد ساختن اثر تاریخی نامبرده مجاهدتها و زحمات فراوان تحمّل نمود تا بانجام این خدمت نائل آمد، این نقش صحنه پیروزی بهرام دوم (۲۷۲-۲۹۳ میلادی) را بر بادیه نشینان عرب نشان میدهد، بهرام دوم سوار بر اسب است و پری بر تارک و تر کشی بر جانب راست دارد و اعراب اسب و شتر برای شهریار خود هدیه آورده اند.

نقش سوم :

پس از این نقش برجسته به نقش برجسته دیگری میرسند که تصویر دو نفر را سوار بر اسب نشان میدهد، این نقش برجسته بر لوحه‌ای بدرازی قریب ۹/۵ متر و پهنای بلندی بیش از چهار متر است، نفر سمت چپ مظهر اهورامزدا است که شعار پادشاهی را به بهرام اول (۲۷۳-۲۷۷ میلادی) عطا میکند، سوار سمت راست بهرام اول است و پشت سر او نبشته پهلوی نفر گردیده نام بهرام اول و پدرش شاپور و نیای او اردشیر بابکان توأم با ثنائی اورمزد در آن مذکور میباشد.

این مجلس حجّاری از نقوش برجسته بسیار عالی و استادانه و محتشم عصر ساسانی بشمار میرود و عکس آن با عکس نقش برجسته بعدی ضمن تصاویر آخر کتاب یکجا نموده شده است (ش ۱۹۰)

نقش برجسته چهارم

آخرین نقش برجسته تنگ چوگان بعد از نقش برجسته پیشین و کمی بالاتر از آن حجّاری گردیده و آن نیز از نقوش برجسته بزرگ عهد ساسانی است، درازای آن قریب ده متر و نیم و پهنای بلندی آن قریب پنج متر میباشد (ش ۱۹۰)، در این نقش برجسته تصویر شاپور دوم یا شاپور ذوالاکتاف را در بالا و وسط نقش حجّاری نموده اند که از رو برو نشسته شمشیرش را بر دست چپ گرفته و دست راست خود را به عصای بلند یا گرز شهریاری تکیه داده است و در دیف نقوش برجسته بر هر جانب نقش دیده میشود، نقوش جانب چپ بزرگان دربار و سران لشگری و اسب جنگی مخصوص شهریار را

مینمایاند ، در قسمت راست لوحه نقوش اسیران مغلوب و دژ خیمی که سرهای بریده مخالفین را در دست گرفته است و ایرانیانی که دشمنان شکست خورده و غنیمتهای جنگ را بحضور می آورند دیده میشود ، این نقش برجسته از لحاظ هنر حجاری تعریفی ندارد و سازندگان آن استادان ماهری نموده اند و لکن بیروزی مهمی را که شاپور دوم در اواخر سلطنتش در نواحی دوردست شرقی کشور خود بدست آورده است نشان میدهد .

نقوش برجسته تنگ چوگان در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۵۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت تاریخی رسیده است .
اینک بشرح اثر تاریخی مهم دیگر تنگ چوگان که مجسمه شاپور و غار شاپور است میپردازیم :

مجسمه و شکفت شاپور

بمسافت قریب چهار کیلومتر بخط مستقیم در شمال شرقی آثار بیشاپور و نقوش برجسته سابق الذکر در بالای کوهستان بر جانب چپ تنگ چوگان غار بزرگی وجود دارد که مجسمه عظیم شاپور اول درون آنست و برای رفتن به غار باید راهی را که از یای کوهستان در سمت راست تنگ چوگان میگذرد بینمایند و در محلی بالاتر از محاذات غار که گذار رود خانه شاپور برای عبور اتومبیل جیب و چارپایان و غیره مساعد است از رود مزبور بگذرند و در دامنه روبرو راهی را که به سمت سیاه فارس در سالهای اخیر ایجاد گردیده است قسمتی با اتومبیل و قسمتی وسیله اسب یا پاده طی کنند و از بلکانهای مفصل و طولانی که سباه مزبور در انتهای راه ساخته اند بالا رفته به غار با شکفت تاریخی عجیبی که شاپور اول برای نصب مجسمه خویش و با احتمال نزدیک بیقین جهت آرامگاه ابدی خویش برگزیده است برسند .

طول دهانه غار در سابق قریب شانزده متر و بلندی آن کمتر از نصف آن بود ولی در سالهای اخیر که سباه فارس همّت به بر پا کردن مجسمه نمود دهانه غار را از آنچه

بود بزرگتر کردند، درون غار بسیار وسیع و عمیق است و کف مدخل غار بلندتر از داخل آنست، هنگامیکه به غار میرسند به صفتی که در ابتدای غار ترتیب داده شده است پائین میروند و مجسمه عظیم شاپور اول را در سطح پائینتر ملاحظه میکنند که بر روی تخته سنگ اصلی استوار گردیده است، سر و بدن مجسمه بحال اصلی باقی و دستها و پاهاى آن شکسته است، مجسمه مزبور در قرون سابق بر اثر سنگینی زیاد و اثر کون گردیده متدرجاً قسمت‌هایی از پا و دست آنها شکستگی بیشتر یافته قطعات بزرگ آن از مجسمه جدا شده بود (ش ۱۹۱) از چند سال پیش سپاه فارس به احداث راه و تهیه وسایل بر پا کردن مجسمه پرداخت و در سال ۱۳۳۶ م^ق به نصب مجسمه بر روی دو پایه بتون مسلح گردید و قطعات جدای دست و پای مجسمه را هم در کنار آن نهادند (ش ۱۹۲) ارتفاع تمام مجسمه در حدود هفت متر و پهنای شانه‌های آن قریب ۲ متر و پهنای دستها در محلی که از بدن دورتر قرار دارند نزدیک به سه متر میشود، بفرمان شاپور اول صخره بزرگی را که در وسط غار بصورت طبیعی قرار داشته است تراشیده مجسمه را از آن در آورده‌اند، بر دیواره‌های دو جانب غار لوحه‌های صافی تعبیه نموده‌اند و شاید قصد نبشتن خطوط یا ایجاد نقوشی بر آنها را داشته‌اند، داخل غار سرازیر می‌رود و بحوضهای آب میرسد و دالانها و دهلیزهای زیر کوهستان از آن به دل کوه راه دارد و بادخول و پیشرفت در آنها به حوضها و آب چگه‌های سقف و طاقنماها و چاه و غیره میرسند پس از آنها به محل‌هایی منتهی میگردد که آب مانع ادامه راه میشود، با احتمال نزدیک به یقین علاوه بر مجسمه سترک شاپور اول آرامگاه ابدی آن شهریار هم در این غار منظور گردیده بوده است.

مجسمه شاپور ذیل شماره ۱۵۹ در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ در فهرست آثار

ملی ایران ثبت رسیده است.

تنک چوگان را بنامهای تنک چکان و تنک چکو و تنک چگون و تنک

چکاو هم میخوانند.

۵ - آثار تاریخی ممسنی

خاک ممسنی در سمت شمال غربی کازرون واقع بوده و در کتاب آثار عجم بنام شولستان نیز ذکر شده است، پس از عبور از ویرانه‌های بیشابور از طریق چنار شاه‌هیجان راه را ادامه می‌دهند و پس از طی در حدود پنجاه کیلومتر به قصبه نور آباد یا مالکی می‌رسند که مرکز عمده ممسنی محسوب می‌شود، در خاک ممسنی آثار تاریخی بسیار مهم و قدیمی هست که با رعایت ترتیب رسیدن به آنها از راه مزبور بد ذکر و معرفی هر یک می‌پردازیم:

نقش بهرام در سر آب بهرام

قریب نه کیلومتر پیش از آنکه از کازرون به نور آباد برسند در سمت راست جاده پائین کوهستان در محوطه بسیار مصفاائی که بنام سر آب بهرام خوانده می‌شود نقش برجسته‌ای بدر از ای ۳/۸۵ متر و پهنای بلندی ۲/۹۰ متر بر سنگ حجاری کرده‌اند، در این مکان آب از چشمه ساززیبائی بیرون آمده جاری می‌شود و محل وسیع با تزییناتی برای تفریح و استراحت است، تصویر بهرام دوم که نقوش برجسته دیگر او را در نقش رستم و گویوم و سر مشهد و تنگ چوگان سابقاً مذکور داشتیم در این نقش برجسته دیده می‌شود که در وسط از روبرو نشسته در هر جانب او دو نفر از بزرگان ساسانی بحال احترام ایستاده مانند صحنه‌های دیگر نظیر آن انگشت سبابه را به نشانه تعظیم بطور خمیده روی بالا نگاه داشته‌اند (ش ۱۹۳ و ش ۱۹۴)

برج نور آباد

اثر تاریخی مهم دیگری در جانب غربی نور آباد و خارج از آن وجود دارد که برج سنگی چهار گوش معظم و منظمی بوده آتشکده‌ای از عهد اشکانیانست و بنا مهای دیمی میل و میل‌اژدها خوانده می‌شود، این بنای تاریخی مهم و منحصر بفرد بمسافت هفت کیلومتری بخط مستقیم در سمت مغرب نور آباد در پائین دامنه سنگی کوهستان واقعست و برای رفتن بآن بوسیله اتومبیل باید در حدود ۱۲ کیلومتر راه بیمود و از طریق کچ گران بدانجا رسید.

برج نامبرده (ش ۱۹۵) به بلندی متجاوز از هفت متر بوده پهنای هر بدنه آن در بالا ۳/۴۰ متر است و پائین آنرا بنحوی ظریف و استادانه با بکار بردن سنگهای تراش رگی دقیق خوش طرح پهنتر ساخته‌اند بطوریکه پهنای هر ضلع برج در پائین تقریباً چهار متر است، در قسمت بالای آن پلکانی داخل برج ساخته‌اند که دهانه آن به بلندی ۱/۱۰ متر و پهنای ۵۹ سانتیمتر در جانب کوهستان یعنی در سمت جنوب به بلندی قریب سه متر از سطح پائین کوه قرار گرفته است و بوسیله نردبام کوتاه یا ترتیب مناسب دیگری به پلکان داخل شده‌اند داخل مناره‌ها چند بار تغییر جهت داده به بالای برج میرسیدند و آتش فروزان را بر بام آن مینهادند، سنگ چهار گوش آتشدان شبیه هاون سنگی بلند و باریکی در پای برج بصورت شکسته فرو افتاده بود که برای حفظ آن در سال ۱۳۲۱ بموزه ایران باستان منتقل گردید، تمام برج از سنگهای رگی سفید دقیق و منظم و عالی ساخته شده است، قطر رگهای سنگ ۴۴ و ۶۴ و ۶۵ سانتیمتر بوده درازای سنگها نیز مختلف است چنانکه یکی از آنها ۴۴ و دیگری ۱۹ سانتیمتر طول دارد.

برج نور آباد ذیل شماره ۳۵۶ در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۸ در فهرست آثار ملی

ایران به ثبت رسیده است.

ویرانه‌های مادر دختر و گَر دَر.

در چهار کیلومتری مغرب برج نور آباد تنگی بنام تنگ اژدها در کوهستان هست و داخل تنگ ویرانه‌های وسیعی است که بنام مادر دختر خوانده میشود و تقریباً در شش کیلومتری آن هم ویرانه‌های دیگری بنام گَر دَر وجود دارد و محل‌های مزبور مانند بسیاری امکان دیگر در خاک فارس نیازمند فراهم گشتن مقتضیات و شرائط مساعد و موجبات کار برای انجام کوشهای علمی و تحقیقات باستانشناسی است.

امامزاده درب آهنین (سید علاءالدین محمد)

طبق آنچه در کتاب آثار عجم نوشته شده است: «قریب بقلعۀ نور آباد امامزاده ایست گنبد بزرگ و بارگاهی دارد سرای آنرا دری است از فولاد خیلی کلان و باشکوه در ساختنش صنعت کرده خوش وضع ساخته اند و میگویند این در سابقاً در قلعه سپید نصب بوده از آنجا نقل نموده آورده اند» (۱)

در باره قلعه سفید که بنامهای سپیدز و سفید قلعه نیز خوانده میشود در یکی دو صفحه بعد اطلاعاتی ذکر میگردد.

نگارنده هنگامیکه در پائیز سال ۱۳۳۰ از فارس بخوزستان میرفتم پس از توقف یک شب در نور آباد و بازدید سریع آثار تاریخی نزدیک آنجا بامدادان ضمن عبور بجانب فهلیان در کنار جاده نزدیک محلی که جاده کازرون بفهلیان با راه فرعی نور آباد تلاقی میکند بقعه جالب توجهی را دیدم که مانند عموم بقاع و امامزاده های آن حدود از سنگ و گچ ساخته شده گنبدی از همان نوع مصالح ساختمانی بر فراز آن بود و متأسفانه بیازدید و بررسی آن از نزدیک توفیق نیافتم و چون از نام آن جو یا شدم آنرا بنام بقعه شیخ ابازر معرفی نمودند.

در موقع تدوین این فصل با ملاحظه آنچه در کتاب آثار عجم مرقوم رفته است و عیناً بشرح سابق الذکر نقل گردید چنین استنباط کردم که امامزاده درب آهنین نام دیگر بقعه شیخ ابازر باشد و برای اطمینان خاطر در صدد تحقیق بیشتر بر آمدم و ضمن نامه هائی از فرمانداری و فرهنگ کازرون در این باره استفسار نمودم فرمانداری کازرون (جناب آقای خواجه نوری) طی نامه شماره ۲۳۹۸-۳۹/۶/۲۶ چنین توضیح داده اند که «..... مراتب از مطلعین محلی استفسار شد امامزاده درب آهنی در دو کیلومتری مالکی (نور آباد) مرکز بخش در وسط راه بین کازرون و خوزستان واقع و نام امامزاده سید علاءالدین محمد است و بقعه شیخ ابازر در بخش ممسنی نمیشود.....»

(۱) کتاب آثار عجم چاپ بمبئی ۱۳۱۴ قمری صفحه ۲۹۹.